

به اسم خدا

سبک زندگی



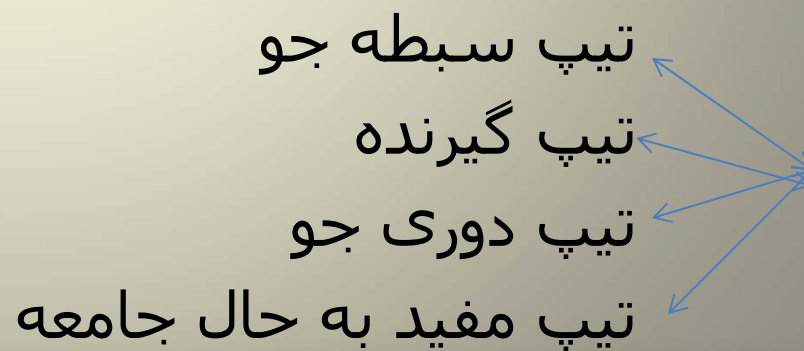
سبک زندگی از جمله مفاهیمی است که در ده های اخیر مورد توجه روز افزون نظریه پردازان در حوزه های مختلف قرار گرفته است . جستجویی ساده با این کلید واژه ما را با انبوهی از پژوهشهای صورت گرفته در زمینه های مختلف، جامعه شناسی، روانشناسی، هنر، پزشکی و.. مواجه میسازد که نشانگر اهمیت این مفهوم در دنیای امروز است. گاه گستره وسیعی که برای تعریف این اصطلاح و مولفه های تعیین کننده اش وجود دارد، مخاطب را با ابهام مواجه میسازد. ازسوی دیگر، پیوند این مفهوم با مفاهیم دیگری نظیر فرهنگ، جامعه، هویت، طبقه اجتماعی، سلیقه و نیاز و...، تعریف ارتباط میان " سبک زندگی " و مفاهیم مرتبط را ضروری میسازد، از این لحظه اهمیت سبک زندگی و ابعاد اجتماعی آن آشکار میگردد.

- مفهوم سبک زندگی (life style) از زمره مفاهیمی است که پژوهشگران جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان پاره ای از واقعیت های فرهنگی جامعه آن را مطرح و بکار می برند و دامنه آن در ادبیات علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی رواج زیادی یافته است تا حدی که بعضی معتقدند که این مفهوم قابلیت جانشینی بسیاری از واژگان موجود از جمله مفهوم طبقه را داراست و میتواند به نحوه دقیق تری گویای واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش های فرهنگی و اجتماعی در جامعه امروز ما باشد .

سبک زندگی از دیدگاه روانشناسان، شیوه ثابتی است که انسان با کمک آن اهداف زندگی را بیان می کند و مشکلات آن را از میان می برد. سبک زندگی مجموعه ای است از ارزشها، نوع نگاه و تفکر و شیوه های رفتاری در هر چیزی. بیشتر مردم معتقدند که باید سبک زندگیشان را آزادانه انتخاب کنند. جامعه شناسان معتقدند سن، طبقه اجتماعی، قومیت و جنسیت در سبک زندگی هر فرد اثر گذارند. این یعنی هویت از نوع ساختار و طبقه اجتماعی فرد و همچنین جنسیت، سن و مذهب او شکل میگیرد.

از دیدگاه الفرد ادلر سبک زندگی افراد توسط جامعه و بر اساس ترتیب تولد فرزندان اول و دوم و سوم و... شکل میگیرد . سبک زندگی یعنی فرد الگوی منحصر به فرد از ویژگی ها و رفتارها و عاداتها را که باعث میشود فرد روال خاصی را پیگیری کند را سبک زندگی نامیده که هر فرد با اراده آزاد خودش مناسبترین سبک زندگی را تعیین میکند و این جریان از سن 4 و 5 سالگی تثبیت میشود .

بر اساس سبک زندگی آدلر افراد را به 4 تیپ شخصیتی تقسیم می کند :



تیپ سبطه جو
تیپ گیرنده
تیپ دوری جو
تیپ مفید به حال جامعه

The diagram consists of a single point on the right side from which four blue arrows point leftwards to the four text labels listed vertically.

- تیپ سلطه جو: تیپ اول، نگرش سلطه جویانه یا حاکم را با آگاهی اجتماعی ناچیز نشان میدهد. چنین فردی بدون توجه به دیگران رفتار میکند. نوع افراطی این تیپ به دیگران حمله کرده و آزارگر، بزهکار، یا جامعه ستیز میشود. نوع کمتر خطرناک این تیپ الکلی، معتاد به مواد مخدر شده یا دست به خود کشی میزند، آنها باور دارند با حمله کردن به خودشان، به دیگران صدمه میزنند.
- تیپ گیرنده: تیپ گیرنده (که از نظر آدلر رایج ترین تیپ است) توقع دارد دیگران اسباب رضایت آنها باشند و بنابراین به دیگران وابسته میشود.
- تیپ دوری جو: تیپ دوری جو برای روبرو شدن با مشکلات زندگی تلاش نمیکند. افراد دارای این تیپ با دوری جستن از مشکلات، از احتمال شکست اجتناب میکنند.
- این سه تیپ برای مقابله کردن با مشکلات زندگی روزمره آمادگی ندارند. آنها نمیتوانند بادیگران همکاری کنند و تضاد بین سبک زندگی آنها و دنیای عملی، رفتار نابهنجار را به بار می آورد که به صورت روان رنجوریها و روان پریشیها جلوه گر میشود. آنها فاقد چیزی هستند که آدلر علاقه ی اجتماعی می نامد .

- تیپ مفید به حال جامعه: تیپ مفید به حال جامعه با دیگران همکاری کرده و مطابق با نیازهای آنها عمل میکند. این افراد در چارچوب کاملاً رشد یافته‌ی علاقه‌ی اجتماعی با مشکلات مقابله میکنند.
- آدلر به طور کلی با طبقه بندی یا تیپ بندی افراد به این صورت مخالف بود و اظهار داشت که این چهار سبک زندگی را صرفاً برای مقاصد آموزشی مطرح کرده است. او به درمانگران هشدار داد که از اشتباه گماردن افراد در طبقاتی که با هم متناقض هستند پرهیز کنند.

تمایز میان شیوه ی زندگی با سبک زندگی

- شیوه ی زندگی مفهومی است که در تمامی صورت های تمدنی گذشته و حال حضور داشته است حال آن که مفهوم سبک زندگی مفهومی متأخر است که ریشه در صورت تمدنی غرب مدرن داشته و متعلق به حوزه نظریه پردازی علوم مدرن جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی است. شیوه ی زندگی ناظر بر بینش و منش توأمان زندگی است. بینش و منشی که مضاف بر ارزش گذاری درباره امور زندگی است سبک زندگی اما مسبوق به این بینش و روش است که بر پایه آن استوار میگردد. در واقع نسبت میان شیوه زندگی و سبک زندگی، نسبت عموم و خصوص من وجه است. سبک زندگی از دل شیوه ی زندگی بیرون آمده و تولید میشود.

- سبک زندگی همان شیوه ی زندگی است هنگامی که در مدل، فرم و صورتهای خاص و ویژگیهای منجمد و متجسد میشود و قالب بندی میشود. وقتی شیوهی زندگی در مدلی خاص متعی نشده و انضمامی میگردد و از ایده به تعین میرسد سبک زندگی متولد میشود. لذاست که شیوهی زندگی چندان قالب بندی نشده است و در مرحله راه و روش مبتنی بر بینش خاص زندگی استوار استو البته اقتضائات خاص خود را دارد. از همین روست که هر شیوهی زندگی میتواند ناظر بر چندین مدل و سبک زندگی باشد.

هنگامی که ذائقه ها، باورها و کردارها و عادات انسانها که خود متضمن عقاید، باورها و تفکرات دینی، سیاسی و اخلاقیو .. ترجیحات زیبایی شناختی است در یک فرم و صورت مشخص زیستی قالب بندی و تجسد و تعین مییابد و در صورت کنشها و کردارهای مشخص، گزینش و انتخابه ای روشن و اعمال و رفتار روزمره غذایی، ورزشی، عبادی و شرعی، جنسی، پوشاکي و ... متعین میشود، سبک زندگی متولد میشود. هر شیوه زندگی ظرفیت تولید سبک ها و مدل های متعدد زندگی را داراست. برای نمونه شیوه ی زندگی مدرن خود ناظر بر سبک های متعدد زندگیست؛ سبک زندگی آمریکائی، سبک زندگی اروپائی، سبک زندگی انگلیسی، سبک زندگی مارکسیستی و

• یکی از چیزهایی که میتواند شیوه ی زندگی را با انجماد و تجسد بخشی به سبک زندگی تبدیل کند حضور اشیاء در زندگی است. سبک زندگی نسبتی مستقیم با حضور اشیاء در زندگی دارد. این سبک زندگی است که جایگاه اشیاء را در زندگی معین میکند و اشیاء شأنی خاص و ویژه در سبک زندگی یافته است و بما هو شأنیت دارند. منظور از اشیاء هم اشیاء ضروری زندگی است هم اشیاء تزئینی و زیباشناختی، هم اشیاء فردی و هم اشیاء حاضر در کلیت و تمامیت خانه و محل زندگی و کار و البته نوع و سبک چیدمان ای ناشیاء و الگوی حاکم بر آن را در برمیگیرد.

شاخص دیگر که در تعیین بخشی شیوه ی زندگی به سبک زندگی بشدت تأثیرگذار است " مصرف " است. با مدرن شدن زندگی بشری و ظهور سرمایه داری و تولد چرخه سرمایه داری " تولید - مصرف "، مصرف و مصرف زدگی یکی از مؤلفه های اصلی دنیا ی امروز و شیوه ی زندگی مدرن است.

- مصرف در تعیین بخشی سبک زندگی تأثیری بسزا دارد بسیار مهم است. این مهم ناظر بر همه گونه مصرفی است و صرفاً ناظر بر مصرف تولیدات و کالاهای مادی و تزئینی نیست و مصرف هرگونه تولید مادی و لوکس و نیز هنری و فرهنگی را نیز در بر میگیرد اعم از اشیاء تزئینی و غیر تزئینی زندگی تا فیلم، روزنامه، موسیقی و .. . هر گونه صنعت فرهنگ (در معنای مکتب فرانکفورتی آن).

شاخصه دیگر مقوله امکان انتخاب است. ظهور تکنولوژی مدرن و توانایی آن در تکثیر فراوان از هرگونه کالایی، ظهور و تثبیت مفهوم تکثر گرایی و تعددگرایی pluralism در زندگی مدرن از یکس و به تکثر و تعدد (کمیوکیفی) تولیدات و کالاهای فرهنگی، هنری و مرتبط با زندگی انجامیده است و از دیگر سو امکانهای گزینش و انتخاب آدمی را در اخذ و مصرف این تولیدات (خاصه صنعت فرهنگ) بشدت افزایش داده است که خود در تعیین و قالب بندی سبکهای مختلف زندگی بسیار تأثیر گذار است.

- به هر میزان که امکان گزینش و انتخاب افزایش یابد سبک‌های زندگی نیز افزایش مییابد. امروزه سبک زندگی در حقیقت سبک در گزینش و انتخاب مصرف کالاهای زندگی است. "آنتونی گیدنز" سبک زندگی را از مولفه های زندگی مدرن میداند و در این میان به سالهای پس از جنگ جهانی دوم و ظهور دولت های رفاهی در اروپای غربی تأکید دارد. به اعتقاد گیدنز دنیای مدرن گزینه های قابل انتخاب را برای افراد افزایش میدهد. در حالی که در فرهنگ های ما قبل مدرن فرد معمولاً پیرو یک سبک و شیوه زندگی خاص بود. هر چند در این دوران هم شاهد انتخاب هایی برای افراد هستیم، اما گزینه های گوناگون به هم شباهت دارند و دامنه و تعداد آنها چنان محدود است که سبب میشود تنها سبک مشخصی برای زندگی در هر فرهنگی تعریف شده باشد و همه افراد متعلق به فرهنگهای یکسان به سبک تقریباً مشابهی زندگی کنند. در اینجا نکته مهم، تطابق همه افراد با ارزشهای همسان منبعث از فرهنگ واحد است و نه امکان انتخابهایی که گاهی ظاهر میشوند. (گیدنز، 1380، 210)

- انواع سبک‌های زندگی مدرن امروزه مولود تکثر و تعدد در انتخاب و مصرف اشیاء و کالاهای فرهنگی و هنری و مصرفی عالم مدرن و مناسبات اقتصادی و اجتماعی حاکم بر آن و نیز اقتضات زندگی متناسب با ضروریات عالم سرمایه داری است.

سبك زندگى تابع تفسيرمان از زندگى است

رفتار اجتماعى و سبك زندگى، تابع تفسير ما از زندگى است: هدف زندگى چيست؟ هر هدفى كه ما براى زندگى معين كنيم، براى خودمان ترسيم كنيم، به طور طبيعى، متناسب با خود، يك سبك زندگى به ما پيشنهاد ميشود. يك نقطه‌ى اصلى وجود دارد و آن، ايمان است. يك هدفى را بايد ترسيم كنيم - هدف زندگى را - به آن ايمان پيدا كنيم. بدون ايمان، پيشرفت در اين بخشها امكان‌پذير نيست؛ كار درست انجام نميگيرد. حالا آن چيزى كه به آن ايمان داريم، ميتواند ليبراليسم باشد، ميتواند كاپيتاليسم باشد، ميتواند كمونيسم باشد، ميتواند فاشيسم باشد، ميتواند هم توحيد ناب باشد؛ بالاخره به يك چيزى بايد ايمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال اين ايمان و اعتقاد پيش رفت. مسئله‌ى ايمان، مهم است. ايمان به يك اصل، ايمان به يك لنگرگاه اصلى اعتقاد؛ يك چنين ايمانى بايد وجود داشته باشد. بر اساس اين ايمان، سبك زندگى انتخاب خواهد شد.

معنا و مفهوم شیوه زندگی غربی

- گفتیم که شیوه زندگی در هر تمدنی متناسب و ملازم است با صورت تمدنی و عالم تاریخی آن تمدن و جامعه. برای نمونه کتاب شریف "حلیۃ المتقین" علامه مجلسی که در دوره صفویه تدوین یافته است خود بسان آئین نامه کامل شیوه زندگی اسلامی - شیعی است که با عالم و صورت تمدنی شیعی و ایرانی عصر صفویه تناسب و تلازم تام دارد. از آنجا که غرب مدرن نیز یک عالم تاریخی و صورت تمدنی (که در علوم اجتماعی غربی به آن فرماسیون اجتماعی social formation میگویند) جدیدی است که متناسب با صورت تمدنی خود انسان جدید طراز مدرنیته و نیز نحوه وجود و حضور ملازم با آن را نیز ایجاب نمود. نحوه حضور مدرن در عالم خود پدید آورنده یک مدل و نحوه زندگی کردنی را به همراه آورده است که خصیصه اصلی این نحوه زندگی، زیستن در ذیل اومانیسم و سوبژکتیویسم است که هر دو نحوه حضور انسان مدرن را در عالم جدید صورت میدهند.

• . انسان در این تمدن تنها انسان نیست بلکه " سوژه" subjective است به معنای تنها موجود شناسنده و صاحب اراده و میل هستی که ذات او را به تعبیر نیچه " اراده معطوف به قدرت" شکل میدهد. نحوه حضور و بودن چنین موجودی ملازم با نفی قدرت دیگری (ولو خدا به عنوان مدعی دیگر اراده و میل و قدرت) است که اساساً به نفی حضور و حیات دین و امر قدسی میانجامد که ظهور سکولاریسم را در افق حضور انسان مدرن نوید میدهد. این انسان به عنوان یک امر کلیدی در صورت تمدنی جدید و به عنوان مرکز ثقل عالم جدید که چنین می‌اندیشد؛ لذا بنایش این میشود که یک زندگی دنیوی و سکولاری را بیافریند از این رو این که این عالم، انسانی دارد که بر اساس مؤلفه های وجودی خویش مبنی بر سودجویی، قدرت طلبی و لذت طلبی رفتار می‌کند همچنین دارای نظام مناسبات اقتصادی است که این نظام اصالتاً سرمایه سالارانه است حال چه سرمایه‌دار باشد یا نباشد اما سرمایه سالارانه است و در عین حالا خلاقیات متناسب با آن را نیز اعمال می‌کند.

- اگر نگاهی به غرب مدرن داشته باشیم به لحاظ مفهوم شیوه زندگی و یا به مفهوم جزئی‌تر، سبک زندگی نیز دارای تصوّراتی است به طور مثال؛ سبک زندگی دوره ویکتوریایی در بخش عمده قرن 19 با آن سبک زندگی که بعد از جنگ جهانی اول در عالم غرب مدرن حاکم می‌شود تفاوت‌هایی دارد و یا اگر جزئی‌تر بنگریم آنچه که بعد از سال 1980 میلادی و بعد از ورود عالم غرب مدرن به «مدینه بحران زده پسامدرن»، از آن زمان تا حدودی مدل سبک زندگی تغییر می‌کند. لذا همه این‌ها در ذیل یک کلیتی هستند اگر چه سبک زندگی ویکتوریایی بعد از جنگ جهانی اول و این دو با سبک زندگی بعد از ورود غرب مدرن به فاز «مدینه بحران زده پسامدرن» در دهه 1980 میلادی به بعد با هم متفاوت است و یا اینکه تمام این‌ها با شیوه زندگی رنسانسی به لحاظ جزئی و مفهومی تفاوت‌هایی با هم دارند اما تمام آنها در ذیل یک پارادایم کلی هستند که آن پارادایم کلی، مؤلفه‌های مشخصی مبنی بر سکولاریستی و اومانیستی بود ندارد.

- در واقع انسان قلمرو معنایی و ارزشی خویش را از عالم معنا و عالم آخرت به عالم دنیا ی صرف منتقل می‌کند یعنی اگر نگاهی کوتاه به مسئله تعریف انسان و اخلاق داشته باشیم در قرون وسطی این را می‌توان فهمید، قبل از قرون وسطی اگر چه به جرأت می‌توان گفت که عالم، عالم دینی نیست اما می‌بینیم تعریفی که از انسان و رابطه اش با ثروت وجود دارد اینگونه است که انسان باید در حدی کار کند که نیاز خود و خانواده‌اش را برطرف کند و بیشتر از آن را یا کار نکند و یا به عبادت پردازد و یا اگر کاری می‌کند ما حاصل آن را نفاق کند با این نگاه، تفاوت مدل‌ها مشخص می‌شود.

ضرورت عبرت پژوهی تاریخی و بررسی تاریخی مقوله سبک زندگی

درهم تنیدگی فلسفه علم و تاریخ علم ایجاب می کند در تحلیل دقیق یک مقوله، تاریخ آن را بکاوییم. بی شک مواجهه فرهنگ و جامعه ایرانی با فرهنگ و نگرش غربی و مدرن، سبب تحول در سبک زندگی ایرانی شده است و یک زندگی شبه مدرن را که بارقه هایی از سنت نیز در آن وجود دارد برای جامعه ایرانی رقم زده است. با چند دقیقه نظاره و قدم زدن در محیط های اجتماعی و شهری این هویت مونثازی و میکسی و هلو انجیری را مشاهده می نمایید.

از پایان دوره صفویه مخصوصا از دوزان قاجاریه تا به امروز، مسأله مواجهه با عالمی جدید وساحتی نوین به نام غرب و مدرنیته، کم کم در ایران رخ نموده است. این مواجهه ابتدا به صورت سلطه جغرافیایی محدود بود. مانند حضور پرتغالی ها در جنوب ایران. پس از قوت صفویه، این مواجهه، به عرصه کلام قدم می گذارد و این مسیونرهای مسیحی هستند که حامل پیام غرب نوین و اروپای متجدد در ایران هستند. اولین مدارس جدید را همین مسیونرها بنا می کنند. (به ویژه در دوره قاجار) پس از این، از دوران پس از صفویه تا استقرار قاجار و حتی تا زمان تحریم تنباکو، مواجهه ما بیشتر شکل استعماری دارد.

جنگ های ایران و روس و حضور استعماری انگلیس در ایران و منطقه، سخن از مواجهه نظامی را مطرح ساخت. از اواسط دوره قاجار غرب و غرب زدگی و مواجهه ما با این پدیده؛ شکلی جدید به خود گرفت. این نحوه مواجهه جدید، در حوزه اندیشه و تفکر و علم و فرهنگ بوده و غرب زدگی گسترده فرهنگی و علمی را پدیدار کرد. بدین سبب طبقه روشنفکران غیر دینی و فراماسونرها در این دوره آن هم تحت نظارت و حمایت و هدایت انگلیس و روسیه و بعدها آمریکا شکل گرفت و بر اساس این شیوه مواجهه است که کم کم سبک زندگی ایرانی دستخوش تغییرات می شود؛ تغییراتی که هرچه زمان برایش جلوتر می رفت، سرعت این تغییرات نیز سریع تر می شد و واکنش آگاهان، روشنفکران دینی، خواص سیاسی و علما را باعث می گشت.

این در حالی بود که سبک زندگی سنتی_دینی با مایه ها و جوهره شیعی و گرایشات اهل بیتی مردک ایران از استحکام دیرینه و با پشتیبانی ای برخوردار بود و جامعه ایرانی را به چاره واداشت که چگونه نه این را وانهد و نه آن را رد نماید.

نقش فرهنگ عمومی در سبک زندگی

فرهنگ عمومی به عنوان یک بستر، در تعیین مصادیق زندگی روزمره و سبک زندگی افراد جامعه نقش مهمی را بازی می‌کند و همان طور که در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی شاهد بودیم، فرهنگ عمومی توانست بر سبک زندگی مردم تأثیر بگذارد و یک نوع سبک زندگی انقلابی را صورت‌بندی کند.

با آرزوي موفقيت
رضا ناظري

http://rezanazeri.ir
rezanazeri273@gmail.com